



ادبیات بی مکتب

■ پسران سفیدرود

■ محمدرضا محمدی پاشاک

◀ خروج از انحصارهایی که کارکردی جز سوق دادن ادبیات انقلاب و به سمت فرمایشی‌نویسی ندارند قدمی رو به پیش است.

◀ قهرمان داستان صورت اغراق شده ایمان انقلابی از نوع بسیار ساده و باستانی آن است.

◀ تمام گفتنی‌ها و شنیدنی‌های داستان در نقش و نگار پوشش ظاهری آن است.

حسین بکایی

۱ - سرسخن

وقتی «پسران سفیدرود» را خواندم، بی آنکه خود خواسته باشم، ذهنم از گوشه‌های دور از دسترس‌اش خواننده‌هایی درباره مکتب کلاسیسیسم را بازآفرینی کرد. بدین علت دوباره به سراغ کتاب نفیس «مکتبهای ادبی» نوشته آقای سیدرضا حسینی رفتم و این نکات را استخراج کردم:

- «هنرمند [کلاسیک] ... باید به طبیعت فرمان دهد که بهتر از هر موقع دیگر جلوه کند. یعنی هنرمند کلاسیک به جای نقاشی طبیعت صورت کاملتری از آن می‌سازد و آن را با آرمانها و آرزوهای بشریت توأم می‌کند.»

- «بوالو» در کتاب فن شعر در فصل اول می‌نویسد: «عقل و منطق را دوست بدارید. پیوسته بزرگترین زینت و ارزش اثرتان را از آن کسب کنید.»

- «به عقیده صاحب نظران کلاسیک تنها تجسم زیبایی برای تکمیل یک اثر هنری کافی نیست. بلکه اثر هنری در عین حال باید آموزنده و دارای نتیجه اخلاقی باشد.»

- «ارسطو می‌گوید: «شکی نیست که اثر شاعر از آن چیزی که اتفاق افتاده بحث نمی‌کند، بلکه از آن چیزی سخن

و بر جذابیت خود می‌افزاید.

«امیر حمزه نوجوانی روستایی است که برادر دانشجویش - کاس آقا - به دست نیروهای امنیتی اسیر شده است. دایی امیر، حمزه عامل دستگاه امنیتی در روستاست و هم اوست که خواهرزاده خویش را تسلیم کرده است. از دیگر سوی به دلیل بیماری پدرخوانده همان دایی، جورکش خانواده خواهر خود است و کل خانواده منت دار او هستند.

در مقابل دایی، دهبان، میرخان سابق، قرار دارد. او رقیب دایی است و توطئه چین بزرگ روستا. تمام آوایش و ارادل زیر فرمان رهبان هستند و با آن که خود دایی خواهرزاده‌اش را تسلیم کرده، دهبان از رابطه خانوادگی او با «کاس آقا» بهره جسته سعی در حذف او از میدان قدرت روستا دارد.

در انتها کاس آقا در زندان فلج می‌شود. دایی نیست می‌شود و دهبان در آتش می‌سوزد. «امیرحمزه» به هدایت «کاس آقا» کارهای مرموزی را آغاز می‌کند.

لایه دوم

پدر بزرگ مادری «امیرحمزه» تفنگچی میرزا کوچک خان جنگلی بوده است. او بر اثر اتفاقی به جنگلی‌ها پیوسته، زخمی شده و اکنون با زخم تاریخی خود و حکایت‌های دهها بار باز گفته به ظاهر روشن - بین ترین شخصیت داستان است.

«دایی حسین» پسر تفنگچی سابق میرزا کوچک خان و انقلابی سالهای آغازین دهه سی شمسی که از وقایع آن دوران سرخورده شده به مقتضای زمانه، خود را به ساواک فروخته است. دایی هرچند توان درک حرکت‌های انقلابی را دارد اما به دلیل تجربه‌های شخصی از وقایع نهضت ملی شدن صنعت نفت و قیام ملی دکتر محمد مصدق و کودتای محمدرضا شاه در ۲۸ مرداد سال ۳۲ نمی‌تواند به این حرکت‌ها ایمان بیاورد. کاس آقا نفر اول از نسل سوم دانشجویان است در تهران. او در تهران سخنرانی کرده و کتابهای ممنوعه خوانده است. جرم کنونی او تقلید از آیت الله العظمی خمینی است. در تمام طول بازداشت از آنجا که نیروهای امنیتی مدرکی علیه او ندارند، تلاش خود را بر مرجع تقلید «کاس آقا» استوار می‌کنند تا او را وادارند به ترک تقلید از آقای خمینی. اما «کاس آقا» قرص و محکم می‌ایستد و بر حرف خود پای می‌فشارد.

از اهالی روستا به جز مرد فقیری که از فرط نداری به دام دهبان افتاده است، وزن دایی و پسر دایی و خاله و دختر خاله و چند جوان طرفدار «کاس آقا» یا مزدور دهبان کس دیگری حضوری واضح و قابل تشخیص ندارد، طوری که اگر از این زاویه - یعنی روستا - داستان را مورد سوال قرار دهیم به جز چند شب متحرک چیزی نخواهیم یافت!

لایه سوم

در روستای داستان اگر از اهالی ناپیدا پرسیده شود: اکنون شاه مملکت کیست؟ شاید پاسخ دهند: احمد شاه! این البته در فضای داستان طبیعی است. و اگر از اهالی پیدا نیز بپرسند شاید به جز دایی و دهبان و دو سه یار

می‌گوید که وقوع آن برحسب ضرورت یا حقیقت نمایی امکان دارد.»

- «قهرمان تراژدی نباید جنایتکار باشد. ضمناً بسیار پرهیزکار و صحیح العمل نیز نباید باشد. باید از خوشبختی به تیره روزی افتاده باشد؛ اما نه بر اثر جنایت بلکه در نتیجه یک اشتباه باید ایجاد ترس و ترحم کند ... قهرمان تراژدی باید با اشخاصی که قطب مقابل او را در تراژدی تشکیل می‌دهند، رابطه خانوادگی و یا حسی داشته باشد.»

دلایل مختلفی برآنم داشت که این کتاب را از دریچه مکتب کلاسیسیسم نگاه کنم.

لایه اول

داستان محصول فعالیت دفتر ادبیات انقلاب اسلامی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است، از این رو قبل از ورود به فصل نخست تمام پیش ذهن‌های خواننده - کودک یا بزرگسال - را درباره انقلاب سال ۵۷ به چالش دعوت می‌کند. اما با درآمد اول که توصیفی است از فضایی روستایی ذهنیت خواننده را دگرگون می‌سازد زیرا آنچه از انقلاب و انقلابیگری گفته‌اند و شنیده‌ایم حال و هوای شهری دارد نه روستایی. داستان از این بی‌خبری بهره‌ای درخور می‌برد

«کاس آقا» دیگران نیز پاسخی مشابه بدهند. مزدوران دهبان که اوباشی بیش نیستند اصلاً فعالیت سیاسی نمی‌کنند. آنان کامروایانی هستند که در پی پول و قدرت و حتی ارضای بیماری دیگر آزاری خود عنان خویش به دست دهبان داده‌اند. انگشت شمار هواداران «کاس آقا» نیز به جز چندبار حضور خشونت‌آمیز و مقابله‌های مقطعی با مزدوران دهبان نقشی دیگر ایفا نمی‌کنند.

قهرمانان اصلی - به جز دایی حسین و دهبان - تا انتهای داستان نه تنها جرم «کاس آقا» را نمی‌فهمند بلکه بر اثر جهل، او را سهل انگار و مجرم نیز می‌یابند. مادر، زن دایی و خاله، مادرانه برای «کاس آقا» دل می‌سوزانند. پدر سرفه می‌کند. پدربزرگ نقل می‌گوید و تک مضراب می‌زند. دختر خاله - نشان کرده «کاس آقا» - همان طور که بی‌دلیل وارد داستان شده است - چون خاله و زن دایی و پسر دایی و پدر - صامت و ساکت نیز از آن خارج می‌شود.

۲- براساس آنچه از این داستان فهمیده می‌شود حادثه اصلی، دستگیری «کاس آقا» است و وظیفه نویسنده پروراندن «امیرحمزه» نوجوان سال‌های انقلاب در دامان این حادثه. شاید از طرف کسانی این چنین عریان کردن ذهنیت خالق اثر و تک سویه کردن داستان پذیرفته نشود. در آن صورت ما در برابر این پرسش که: چرا این داستان - انقلابی - خلق شده است؟ بی‌پاسخ خواهیم ماند.

حال با فرض پذیرفته شدن این اصل که «پسران سفیدرود» ماجرای پرورده شدن نوجوان در دامان حوادث انقلاب است، پرسش دوم مطرح می‌شود. آیا نویسنده در انجام این وظیفه خود خواسته موفق بوده است؟ آنچه از داستان بر می‌آید پاسخی منفی است، زیرا داستان به ما می‌گوید که روستاییان بی‌خبر از همه جا نقشی در انقلاب نداشته درگیر زندگی روزمره خود بوده‌اند. با توجه به این دو نکته موفقیت نویسنده در انجام وظیفه خود خواسته پیش گفته در ورطه محال می‌افتد و انتظار ما از او در خلق داستان انقلابی، بی‌جا.

۳- پسران سفیدرود حاصل یک اندیشه است که به شکل یک نظریه مطرح شده. بدون توجه به راستی و نادرستی این نظریه از آن جهت که در حیطه ادبیات انقلاب اسلامی اثری بر پایه یک نظریه استوار شده است، «پسران سفیدرود» قابل تامل است. خروج از پیله‌های خودتنیده و حصار خود کشیده و انحصارهای خود خواسته یا تحمیل شده که کار کردی جز سوق دادن ادبیات به ویژه ادبیات انقلاب به سمت فرمایشی نویسی ندارند، در هر شکل - قدمی است رو به پیش.

۴- کلام ما قبل آخر
شاید سخن گفتن از یک مکتب ادبی - هرچند به صورت تقلیدی آن - با توجه به توشه اندک ادبیات داستانی ما، به زعم بسیاری، گزافه‌گوئی و بی‌راهه روی باشد. و شاید با توجه به خصلت بیگانه ستیزی انقلاب اسلامی گشاندن اثری که در دفتر ادبیات انقلاب اسلامی نشر شده، به وادی مکتب‌های ادبی غربی به مذاق برخی خوش نیاید. اما به انگار بسیاری کسان

منصف اگر از دریچه یک مکتب ادبی به اثری نگاه شود، سخن گفتن از قوت و ضعف آن در محدوده شخصی صورت می‌گیرد و به ایجاد ارتباط روشن قابل فهم بین خواننده نکته سنج و نویسنده خلاق و اثر ادبی در مقابل نهاده شده، یاری می‌رساند.

حال انطباق یاداشتهای نخست با اثر مورد بحث: - طبیعت انسانی که به فرموده نویسنده، ساخته شده است، تمام هم او را برای راهبردن خویش صرف می‌کند و در بسیاری صفحات، زندانی برای نویسنده می‌شود؛ وارد کردن واژه‌های گیلکی، خلق کاس آقا که صورت اغراق شده ایمان انقلابی از نوع بسیار ساده و باستانی آن است؛ امیرحمزه نوجوانی که جز حرافقی و پرده‌داری و زیاده‌بافی، و تاب خوردن در میان دریای متلاطم حوادث ساخته نویسنده، کاری ندارد با سکوت گاه گاه جهت‌دار روستا که در هیچ مرحله‌ای به تقبیح یا تشویق کس و گروه یا حادثه‌ای نمی‌شکند و ...

- پسران سفیدرود داستانی آموزنده و پر پند است. سلام‌های به جا و نابجای امیرحمزه به امامزاده؛ معجزه امامزاده در مریضی ناظم؛ پشیمانی‌های امیرحمزه در آزار هم روستایی خود؛ ایمان و استقامت کاس آقا در زندان ساواک؛ دلسوزی‌های دایی برای شوهر خواهر علیل، محبت خالص زن دایی به امیرحمزه؛ انحرافی بودن نهضت ملی سال ۳۲؛ تاکید بر صحت قیام میرزا کوچک خان؛ و ...

- عقل و منطق روستا خام و ناپخته است. دایی و دهبان به خاطر همراهی با ساواک لایق سرزنش نیستند و اگر دهبان سرزنش می‌شود به دلیل خیانت به هم ولایتی‌ها و اعمال ضد انسانی‌اش است. عوامل دهبان نیز به دلیل فساد اخلاقی و حتی پوشش ظاهری و طرز راه رفتن و سخن گفتن شایسته شامت هستند. - این اثر حقیقتی را در خود پنهان نکرده است. به عبارت دیگر بهره‌ای که این داستان از تاریخ انقلاب می‌برد صفر است. بر این اساس اثری «حقیقت‌نما» ست. اما آنچه باعث می‌شود که خواننده وقایع داستان را باور کند - همان طور که پیشتر اشاره شد، فضای روستائی ناآشنا برای خواننده شهری است. - قهرمانان این اثر با انواع بندهای خانوادگی و روستایی به هم بسته شده‌اند و اوج این تراژدی از این وابستگی به ویژه نسبت‌های خانوادگی حاصل می‌شود.

۵- کلام آخر
در معرفی پسران سفیدرود لایه‌هایی چند را برشمردیم، و در گذر از هر لایه سعی کردیم کمی عمیقتر به این اثر نگاه کنیم، اما متأسفانه باید اعتراف کنیم که این داستان تک لایه‌ای است و تمام گفتنی‌ها و شنیدنی‌های آن در نقش و نگار پوشش ظاهری آن است.

اما آنچه این داستان را جذاب می‌کند هنر نویسنده در تشنه کردن خواننده و مخفی کردن دانسته‌های خود است. بی‌جا نیست که پس از خواندن این کتاب از خود پرسیم: اگر زمانی این داستان به زبانی دیگر برگردانده شود، آیا باز هم جذابیت‌هایی خواهد داشت؟

پسران سفیدرود حاصل یک اندیشه است که به شکل یک نظریه مطرح شده است.

شاید از طرف کسانی این چنین عریان کردن ذهنیت خالق اثر و تک سویه کردن داستان پذیرفته نشود.

نرمش و نه ورزش

- ورزش و کودکان
- هادی عابدینی

انتشارات چاپک، مرکز نشر و پرورش جسمی و حرکتی کودک و نوجوان اقدام به چاپ کتاب «ورزش و کودکان» کرده است. در پیش گفتار این کتاب در سخن با پدران و مادران آمده است: «بازی و حرکت علاوه بر تقویت ارگانیک اندام و حفظ ساختار فیزیکی، باعث نشاط و انگیزش‌های خاص روانی می‌گردد».

این کتاب با زبان شعر با کودکان سخن گفته و در بخشی از آن، حرکات ورزشی مصور کتاب را برای سنین قبل از دبستان و دبستان توصیه کرده است، در حالی که بخش اعظم کتاب، پیرامون حرکت‌های تعادلی است که به هیچ وجه در سنین یاد شده، انجام آن آسان نیست و کارشناسان معتقدند که کودکان در سنین قبل از دبستان و دبستان، باید با بازیهای تفریحی به انواع تمرین‌ها بپردازند و انجام تمرینهای تخصصی که در اکثر آن «تعادل فرد» حرف اول را می‌زند، از عهده آنان خارج است. همچنین تمرین‌های پایانی کتاب، بسیار سنگین و مشکل است و گویی سن کودکان مورد توجه قرار نگرفته است و تنها، شعرهای کودکانه است که به کتاب «ورزش و کودکان» حال و هوایی نزدیک به سنین دبستان و قبل از آن داده است.

سید فریدون موسوی